

جاش‌های معماری شهری معاصر

■ با افزایش ابعاد و وسعت کلان‌شهرها، ترکیب انواع شهرک‌ها و حومه‌ها، توسعه بزرگ‌راه‌ها، ترکیب انواع حرکت سواره و پیاده، افزایش سرعت در فضای شهری، توسعه ساختمان‌های بلندمرتبه، توسعه و تنوع وسایل حمل و نقل، تعدد و تنوع آتانیه شهری و مانند اینها، شرایط توفنی پدید آمده است که تحقق اهداف و موازین زیباشناختی را در سیمای شهرها بسیار دشوار و دست‌نیافتنی کرده است. علاوه بر اینها، دخالت نیرومند نیروهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در حیات شهرهای بزرگ، از جمله عواملی است که با اهداف برنامه‌ریزی‌های شهری در تضاد قرار می‌گیرد.

از طرف دیگر، به دلیل طبیعت پیچیده و چندبعدی شهرهای کنونی، دانش شهرسازی نیز در معرض کشاکش رشته‌های مختلف مثل اقتصاد، مهندسی سازه، مهندسی ترافیک، جامعه‌شناسی، برنامه‌ریزی، مدیریت، معماری، محیط‌شناسی، جغرافیای شهری و غیره قرار گرفته‌است. در نتیجه نمی‌تواند به آسانی به اهداف مشترک و روش‌های مشترک دست پیدا کند.

بدیهی است که در شرایط نوین، دانش و هنر معماری، بر خلاف گذشته دیگر قادر نیست که به هستی شهرها، هم از نظر عملکردی و هم از نظر زیباشناختی، شکل دهد. اینک هماهنگی میان هنر و فن در شهرسازی، اسیر کشاکش نیروهایی شده است که نه تنها همسویی ندارند، بلکه گاه در تعارض با یکدیگر عمل می‌کنند. اینک مسوولیت تاریخی و خطیر شهرسازی این است که میان ضرورت‌های ناسازگار مثل توسعه صنعتی، توسعه کالبدی، توسعه رفاه اجتماعی، توسعه حمل و نقل، حفظ محیط‌زیست و تامین نیازهای زیباشناختی، هماهنگی و سازگاری ایجاد کند. کار بزرگی که تمام شهرسازی جهان را به خود مشغول داشته است.

در حال حاضر، انواع نیروها و گروه‌ها و انواع دانش‌ها و فنون، به طور آگاهانه و ناآگاهانه در شکل‌گیری شهرها دخالت دارند. حاصل کار این است که شکل و سیمای کالبدی اغلب شهرهای موجود، پدیده‌ای تصادفی و اتفاقی است که عنصر آگاهی و انتخاب نقش ناچیزی در آن دارد. بدیهی است که با این وضع، نمی‌توان به آسانی به اهداف هویت، زیبایی و جذابیت در سیمای شهرها دست پیدا کرد.

اینک اصطلاح «شهرسازی» مفهومی مبهم و چندپهلوی پیدا کرده است که عرصه عمل و مسوولیت آن روشن نیست و در کشاکش میان حوزه‌های علوم مهندسی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و هنرها معلق مانده است.

در حال حاضر جدا از تاثیر وسیع عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، می‌توان از چندین رشته در عرصه شهرسازی نام برد که کم‌وبیش به طور مستقیم در چگونگی شکل‌گیری سیمای شهرها و کیفیت سازمان بصری آنها دخالت دارند. اهم این رشته‌ها عبارتند از: برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری، منظرسازی، معماری، مهندسی سازه و مهندسی ترافیک.

حد و مرز وظایف و حوزه عمل هر یک از این رشته‌ها و چگونگی روابط میان آنها به درستی روشن نیست، به طوری که برداشت‌ها و تعبیرهای مختلف از آنها ارایه می‌شد که در عمل با سلیقه‌ها و نظرات شخصی همراه می‌شود. نتیجه کار این است که اغلب در میان عرصه‌های مختلف شهرسازی ناهماهنگی و حتی تعارض پدید می‌آید که در نهایت به نبود تعادل کارکردی و ناهماهنگی در سیمای عمومی شهر منجر می‌شود. این عارضه‌ای است که از آن به عنوان «عدم کلیت» و «عدم سرزندگی» در شهرسازی معاصر یاد می‌کنند و بر آن راه چاره می‌جویند.

شگفت‌تر اینکه در شهرسازی معاصر، هنوز معلوم نیست که مسوولیت سازمان دادن به نظام بصری و ابعاد زیباشناختی سیمای شهر بر عهده کدام رشته علمی، یا نهاد مطالعاتی یا اجرایی است. در واقع در کشورهای مختلف جهان به اقدامات و تجارب گوناگونی در این زمینه توسل جستنه‌اند. ولی هنوز یک دانش نظام‌یافته یا روش‌شناسی کارآمد برای اسامان دادن به این نیاز بزرگ تمدن معاصر فراگیر نشده است.

در حال حاضر، علاوه بر نقش سنتی معماری، نقش زیادی بر عهده «طراحی شهری»، «منظرسازی» و «زیباسازی شهری» گذاشته شده است. ولی حقیقت این است که جایگه اینها نیز، از نظر مبانی روش‌شناسی علمی به درستی روشن نیست. مهم‌تر اینکه، در عمل همکاری و هماهنگی کافی میان آنها وجود ندارد. در واقع مساله اصلی این است که بر خلاف دستاوردهای ارزشمند ولی پراکنده معماری، طراحی شهری، طراحی منظر و اقدامات زیباسازی، چگونگی می‌توان میان عناصر اصلی سیمای شهر، یعنی طراحی شهرک‌ها و محله‌ها، طراحی بزرگ‌راه‌ها و پل‌ها، طراحی پارک‌ها و فضاهای... نوعی انسجام و هماهنگی عملکردی و زیباشناختی پدید آورد؟ طراحی منظر یا منظرسازی نیز، خود را به عرصه‌های محدود و جزیره‌های کوچک سبزی مشغول کرده است. این نوع طراحی از درگیر شدن با محیط عمومی شهر و معیارهای فراگیر طفره می‌رود. زیباسازی نیز مفهومی است که بیشتر اسیر ملاحظات اجرایی و خرده‌کاری است که از حوزه «بزرگ» و ترین فراتر نمی‌رود. امروزه «زیباسازی» کلمه‌ای زشت‌است که بوی حق‌پارزی از آن استشمام می‌شود.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی شهرسازی و معماری

شهر

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهر

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

شهرشناسی

خاموشی قلب تئاتر ایران

نصر و پارس جزو خاطر‌ها شدند

فرزانه نیکروح‌نمین



عکس‌ها: مهدی حسینی شرق

تئاتر فروریخت و این مساله باعث شد که سازمان میراث فرهنگی به این مکان هنری فراموش شده توجه نشان دهد و نصر را در فهرست آثار ملی به ثبت رساند اما پس از آن مجدداً این سالن فراموش شد تا در تابستان ۱۳۸۶ خبر سرعت از تئاتر نصر، اهالی هنر و مسوولان را متوجه این بنای بارزش کرد. ۱۳ ردیف صندلی و صد متر از سقف

کاذب نصر، از موارد سرعت شده بود. بعد از این تاریخ، اداره کل هنرهای نمایشی تصمیم گرفت تا ساختمان سالن تئاتر را مورد بازسازی و مرمت قرار دهد و آنجا را تبدیل به موزه ملی تئاتر کند. در این موزه قرار بر این بود که اسناد تاریخ تئاتر ایران شامل نمایشنامه‌ها، متون، آثاری از هنرمندان، پیشکوتان‌و عکس‌هایی

از نمایش دهه‌های پیش ارایه شود. این تصمیم در ابتدا عملی شد و آفشین هاشمی یکی از کارگردان تئاتر در یک اقدام خیرخواهانه، فروش بلیت نمایش یک شبش را برای عملیات بازسازی تئاتر نصر احدا کرد. حتی برای بازسازی ساختمان، مهندسی در نظر گرفته شد که بعد از چند ماه، مرمت تئاتر را به دلیل عدم پرداخت طلب ۱۵۰ میلیون تومانی اش نیمه‌تمام رها کرد البته خیلی‌ها مدعی‌اند که وی کارهای زیاد کرده است. از سال ۱۳۸۷ تا به امروز همچنان در تئاتر نصر روی علاقه‌مندان بسته و میزبان

خاک است و مسوولان در جواب به روند بازسازی تئاتر، کمبود بودجه را عنوان می‌کنند. جالب اینکه در چند ماه اخیر قضیه مالکیت این سالن تئاتر نیز به آن افزوده شده است.

تئاتر پارس یا پاساژ پارس

تئاتر پارس از سالن‌های قدیمی تئاتر ایران است که مانند سایر سالن‌های نمایش لاله‌زار در سکوت و فراموشی به سر می‌برد. قدمت این تئاتر را به دوران قاجار نسبت داده‌اند. در ابتدا تئاتر پارس با عنوان تماشاخانه فرهنگ در زمان سلطنت پهلوی اول توسط کلنل علیقنی وزیرى از همکاران سیدعلی نصر، آغاز به کار کرد که در ابتدا به نمایش خیمه‌شهبازی اختصاص داشت. در سال ۱۳۲۴، ساختمان تئاتر دچار حادثه آتش‌سوزی شد و پس از بازسازی تئاتر، آنجا را تئاتر پارس نامیدند. سالن پارس، همان سالی است که عبدالحسین نوشین، احمد بهرزی، علی تقوایی، غلامرضا خوبی، عزت‌الله انتظامی روی سن آن پا گذاشته و به ایفای نقش پرداخته‌اند. این سالن بعد از پیروزی

انقلاب اسلامی، مصادره و تحویل سازمان تبلیغات اسلامی داده شد و طبقه همکف آن به کاربری تجاری تغییر یافت و به نام پاساژ پارس در قبضه فروشندگان لوازم الکتریکی و برقی درآمد. سالن پارس برای ادامه فعالیت‌های نمایشی‌اش توسط انجمن تئاتر آزاد ایران اجاره شد اما بعد از مدتی داد‌گاه انقلاب به دلیل نپرداختن اجارهبها به پستن تئاتر بعد

از ثبت در فهرست آثار ملی ایران اقدام کرد. اما به دلیل فشار افکار عمومی، چراغ آثار گهگاهی روشن می‌شد اما شرایط به‌گونه‌ای نبود که مدیران تئاتر بتوانند حتی ۵۰ درصد مخارج سالن و اجارهبهای آنجا را تامین و پرداخت کنند و بالاخره به دلیل فرسودگی ساختمان مذکور، چراغ این سالن هم خاموش شد و میزبان جعبه‌های لوازم الکتریکی و باجه بلیت‌فروشی آن با لامپ‌ها، سرپیچ‌ها و سیم‌ها بر شد حتی شهرداری تهران قول داد که با خرید این مکان، آنجا را در اختیار اهالی هنر و تئاتر قرار دهد اما چنین وعده‌ای

نیز عملی نشد. بعد از مدتی نیز مسوولان به اهالی هنر قول دادند که تئاتر را بازسازی می‌کنند و بعد از رها شدن تئاتر نصر به حال خود، پارس را به موزه ملی تئاتر تبدیل می‌کنند اما همچنان بیش از دو سال از وعده‌هایشان می‌گذرد و پارس به حیات انبار بودن خود در زیر سقف‌های در حال ریزش ادامه می‌دهد.

با بسته شدن این دو سالن تئاتر، آخرین نشانه‌های مرکز هنر و تئاتر در لاله‌زار نیز از بین رفت و امروزه از آن لاله‌زار فقط یک تابلو بر سر یک خیابان باقی مانده است و بس.

هنرمندان، پیشکوتان‌و عکس‌هایی

از نمایش دهه‌های پیش ارایه شود. این تصمیم در ابتدا عملی شد و آفشین هاشمی یکی از کارگردان تئاتر در یک اقدام خیرخواهانه، فروش بلیت نمایش یک شبش را برای عملیات بازسازی تئاتر نصر احدا کرد. حتی برای بازسازی ساختمان، مهندسی در نظر گرفته شد که بعد از چند ماه، مرمت تئاتر را به دلیل عدم پرداخت طلب ۱۵۰ میلیون تومانی اش نیمه‌تمام رها کرد البته خیلی‌ها مدعی‌اند که وی کارهای زیاد کرده است. از سال ۱۳۸۷ تا به امروز همچنان در تئاتر نصر روی علاقه‌مندان بسته و میزبان

خاک است و مسوولان در جواب به روند بازسازی تئاتر، کمبود بودجه را عنوان می‌کنند. جالب اینکه در چند ماه اخیر قضیه مالکیت این سالن تئاتر نیز به آن افزوده شده است.

تئاتر پارس یا پاساژ پارس

تئاتر پارس از سالن‌های قدیمی تئاتر ایران است که مانند سایر سالن‌های نمایش لاله‌زار در سکوت و فراموشی به سر می‌برد. قدمت این تئاتر را به دوران قاجار نسبت داده‌اند. در ابتدا تئاتر پارس با عنوان تماشاخانه فرهنگ در زمان سلطنت پهلوی اول توسط کلنل علیقنی وزیرى از همکاران سیدعلی نصر، آغاز به کار کرد که در ابتدا به نمایش خیمه‌شهبازی اختصاص داشت. در سال ۱۳۲۴، ساختمان تئاتر دچار حادثه آتش‌سوزی شد و پس از بازسازی تئاتر، آنجا را تئاتر پارس نامیدند. سالن پارس، همان سالی است که عبدالحسین نوشین، احمد بهرزی، علی تقوایی، غلامرضا خوبی، عزت‌الله انتظامی روی سن آن پا گذاشته و به ایفای نقش پرداخته‌اند. این سالن بعد از پیروزی

انقلاب اسلامی، مصادره و تحویل سازمان تبلیغات اسلامی داده شد و طبقه همکف آن به کاربری تجاری تغییر یافت و به نام پاساژ پارس در قبضه فروشندگان لوازم الکتریکی و برقی درآمد. سالن پارس برای ادامه فعالیت‌های نمایشی‌اش توسط انجمن تئاتر آزاد ایران اجاره شد اما بعد از مدتی داد‌گاه انقلاب به دلیل نپرداختن اجارهبها به پستن تئاتر بعد

از ثبت در فهرست آثار ملی ایران اقدام کرد. اما به دلیل فشار افکار عمومی، چراغ آثار گهگاهی روشن می‌شد اما شرایط به‌گونه‌ای نبود که مدیران تئاتر بتوانند حتی ۵۰ درصد مخارج سالن و اجارهبهای آنجا را تامین و پرداخت کنند و بالاخره به دلیل فرسودگی ساختمان مذکور، چراغ این سالن هم خاموش شد و میزبان جعبه‌های لوازم الکتریکی و باجه بلیت‌فروشی آن با لامپ‌ها، سرپیچ‌ها و سیم‌ها بر شد حتی شهرداری تهران قول داد که با خرید این مکان، آنجا را در اختیار اهالی هنر و تئاتر قرار دهد اما چنین وعده‌ای

نیز عملی نشد. بعد از مدتی نیز مسوولان به اهالی هنر قول دادند که تئاتر را بازسازی می‌کنند و بعد از رها شدن تئاتر نصر به حال خود، پارس را به موزه ملی تئاتر تبدیل می‌کنند اما همچنان بیش از دو سال از وعده‌هایشان می‌گذرد و پارس به حیات انبار بودن خود در زیر سقف‌های در حال ریزش ادامه می‌دهد.

با بسته شدن این دو سالن تئاتر، آخرین نشانه‌های مرکز هنر و تئاتر در لاله‌زار نیز از بین رفت و امروزه از آن لاله‌زار فقط یک تابلو بر سر یک خیابان باقی مانده است و بس.

هنرمندان، پیشکوتان‌و عکس‌هایی

از نمایش دهه‌های پیش ارایه شود. این تصمیم در ابتدا عملی شد و آفشین هاشمی یکی از کارگردان تئاتر در یک اقدام خیرخواهانه، فروش بلیت نمایش یک شبش را برای عملیات بازسازی تئاتر نصر احدا کرد. حتی برای بازسازی ساختمان، مهندسی در نظر گرفته شد که بعد از چند ماه، مرمت تئاتر را به دلیل عدم پرداخت طلب ۱۵۰ میلیون تومانی اش نیمه‌تمام رها کرد البته خیلی‌ها مدعی‌اند که وی کارهای زیاد کرده است. از سال ۱۳۸۷ تا به امروز همچنان در تئاتر نصر روی علاقه‌مندان بسته و میزبان

خاک است و مسوولان در جواب به روند بازسازی تئاتر، کمبود بودجه را عنوان می‌کنند. جالب اینکه در چند ماه اخیر قضیه مالکیت این سالن تئاتر نیز به آن افزوده شده است.

تئاتر پارس از سالن‌های قدیمی تئاتر ایران است که مانند سایر سالن‌های نمایش لاله‌زار در سکوت و فراموشی به سر می‌برد. قدمت این تئاتر را به دوران قاجار نسبت داده‌اند. در ابتدا تئاتر پارس با عنوان تماشاخانه فرهنگ در زمان سلطنت پهلوی اول توسط کلنل علیقنی وزیرى از همکاران سیدعلی نصر، آغاز به کار کرد که در ابتدا به نمایش خیمه‌شهبازی اختصاص داشت. در سال ۱۳۲۴، ساختمان تئاتر دچار حادثه آتش‌سوزی شد و پس از بازسازی تئاتر، آنجا را تئاتر پارس نامیدند. سالن پارس، همان سالی است که عبدالحسین نوشین، احمد بهرزی، علی تقوایی، غلامرضا خوبی، عزت‌الله انتظامی روی سن آن پا گذاشته و به ایفای نقش پرداخته‌اند. این سالن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مصادره و تحویل سازمان تبلیغات اسلامی داده شد و طبقه همکف آن به کاربری تجاری تغییر یافت و به نام پاساژ پارس در قبضه فروشندگان لوازم الکتریکی و برقی درآمد. سالن پارس برای ادامه فعالیت‌های نمایشی‌اش توسط انجمن تئاتر آزاد ایران اجاره شد اما بعد از مدتی داد‌گاه انقلاب به دلیل نپرداختن اجارهبها به پستن تئاتر بعد از ثبت در فهرست آثار ملی ایران اقدام کرد. اما به دلیل فشار افکار عمومی، چراغ آثار گهگاهی روشن می‌شد اما شرایط به‌گونه‌ای نبود که مدیران تئاتر بتوانند حتی ۵۰ درصد مخارج سالن و اجارهبهای آنجا را تامین و پرداخت کنند و بالاخره به دلیل فرسودگی ساختمان مذکور، چراغ این سالن هم خاموش شد و میزبان جعبه‌های لوازم الکتریکی و باجه بلیت‌فروشی آن با لامپ‌ها، سرپیچ‌ها و سیم‌ها بر شد حتی شهرداری تهران قول داد که با خرید این مکان، آنجا را در اختیار اهالی هنر و تئاتر قرار دهد اما چنین وعده‌ای نیز عملی نشد. بعد از مدتی نیز مسوولان به اهالی هنر قول دادند که تئاتر را بازسازی می‌کنند و بعد از رها شدن تئاتر نصر به حال خود، پارس را به موزه ملی تئاتر تبدیل می‌کنند اما همچنان بیش از دو سال از وعده‌هایشان می‌گذرد و پارس به حیات انبار بودن خود در زیر سقف‌های در حال ریزش ادامه می‌دهد.

با بسته شدن این دو سالن تئاتر، آخرین نشانه‌های مرکز هنر و تئاتر در لاله‌زار نیز از بین رفت و امروزه از آن لاله‌زار فقط یک تابلو بر سر یک خیابان باقی مانده است و بس.

ساختار شبکه‌های ارتباطی در شهر

حسین میرزایی

■ ساختار شبکه‌های ارتباطی شهری به سه نوع تقسیم می‌شود:

الف) نوع شعاعی: در این نوع، مرکز در نقطه مرکزی قرار دارد و تمام خیابان‌ها به این مرکز ختم می‌شود و باعث می‌شود که خیابان‌ها به صورت شعاع‌هایی در حول آن نقطه مرکزی افزایش یابند.

ب) نوع قطعی: ساختار خیابان‌ها با در نظر گرفتن مساحتی از همه جهات بدون هیچ‌گونه محدودیتی قابلیت توسعه دارد. اغلب به منظور کوتاه کردن مسیر شکل توسعه دیگوانالی با به صورت مورب است. برای مسافت‌های طولانی امکانات زیادی در رابطه با نحوه کاربری آن وجود دارد.

ج) نوع دایره‌ای: ساختار متمرکز شده روی دایره فقط در زمان ارتباط به صورت شعاعی یا جهت کوتاه کردن مسیر قطعی عمل می‌کند.

همان‌طور که گفته شد ارتباط بین مرکزها و نقاط

اصلی یک مجموعه (شهر) توسط خیابان‌ها صورت می‌گیرد که به طور کلی به دو نوع تبدیل می‌شوند: **الف) ارتباط از طریق خیابان‌های کمربندی:** تک‌تک مثبت؛ -جهت ارتباط دادن به یک محیط مسکونی بزرگ قابل استفاده است.

-جهت بازیابی، بسیار خوب است و راه‌های ورودی و خروجی با مسدود بودن یک بلوک توسط اتوبوس نیز قابل استفاده است.

نکات منفی:

-قطع کردن راه‌های پیاده و ماشین رو
-بار زیاد روی قسمتی از ترافیک خرابی
-ناامنی در ترافیک به علت سرعت زیاد

ب) ارتباط توسط خیابان‌های مستقیم: نکات مثبت:
-جدا شدن دقیق راه‌های پیاده و اتومبیل‌رو و ترافیک خارجی از محیط دور نگه داشته می‌شود.

-در زمانی که طراحی قسمتی از فضا مورد نظر باشد، امکان کنترل و کاهش سرعت به منظور افزایش ضریب ایمنی وجود دارد.

نکات منفی:

-میزان ارتباطات محدوداست (حداکثر طول خیابان‌های مستقیم ۳۰۰ متر است)
-بسخنی جهت‌یابی می‌شود.